

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران



مقررات حقوق بشر و مسئولیت شرکت‌های چند ملیتی

عبدالله عباسی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات فارس
Abasi.abdola@yahoo.com

محمد تقی رضایی

استادیار دانشگاه، دانشکده حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات فارس
Rezaeimmt@yahoo.com

عبدالامیر جرفی

استادیار دانشگاه، دانشکده حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات فارس
jarfiamir@yahoo.com

چکیده

دولت‌ها متعهد به رعایت حقوق بشر می‌باشند. شرکت‌های چندملیتی با ماهیت خصوصی خود از مسئولیت بین‌المللی فارغند. برخی از آنها برای کسب سود و منفعت اقتصادی و استفاده از منابع و امکانات کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه، با اعمال نفوذ سیاسی، اقتصادی، حقوق بشری کارگران کارخانه‌های خود در این کشورها را نقض می‌کنند. پس از طرح این موضوع به عنوان دغدغه‌ی مهم حقوق بشری جامعه‌ی بین‌المللی کنونی، این عقیده‌ی سنتی که فقط دولت‌ها و نهادهای دولتی می‌توانند مسئول نقض حقوق بشر باشند، به چالش کشیده شد. هر چند باید اذعان داشت که مکانیسم‌های انتساب مسئولیت حقوق بشری به عاملین غیردولتی هنوز در حال شکل‌گیری است و مسأله‌ی مسئولیت شرکت‌ها در قبال نقض حقوق بشر، هنوز غیرقطعی و مبهم باقی مانده است. هدف از بحث پیرامون این مقوله این است که تعیین کنیم برای قواعد حقوق بشر مسئول قلمداد می‌شود. به همین دلیل ساختار تحقیق دو وجهی است و بر مسئولیت شرکت و دولت (اعم از میزبان و مادر) تمرکز دارد. با توجه به نتایج بیان می‌شود که شرکت‌ها را در حال حاضر و با این سیستم حقوقی بین‌المللی موجود نمی‌توان مستقیماً مسئول دانست؛ و دولت‌های مادر این شرکت‌ها را نیز در صورت اثبات همکاری و دخالت مستقیم در عمل می‌توان مسئول انگاشت و علیه او طرح دعوی کرد.

واژگان کلیدی: مقررات، حقوق بشر، مسئولیت، شرکت‌های، چندملیتی



Athens

مقدمه

برای ورود به بحث پیرامون مقررات حقوق بشر و مسئولیت شرکت‌های چندملیتی ابتدا باید به تعریف شرکت‌های چندملیتی و تشریح مختصات و ویژگی‌های آن پرداخت، چرا که تعیین ماهیت حقوقی شرکت‌های چندملیتی به عنوان پیش نیاز حل مسائل مربوط به مسئولیت این شرکت‌ها مطرح است. پیش از تعریف شرکت‌های چندملیتی، باید در مورد نام آن نکته‌ای را خاطر نشان ساخت و آن اینکه، عبارت شرکت چندملیتی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد زیرا این عنوان این معنا را به ذهن متبادر می‌سازد که این شرکت‌ها دارای چندین ملیت هستند در صورتیکه اینگونه نیست و این شرکت‌ها معمولاً دارای یک ملیت (ملیت کشور مادر)^۱ می‌باشند.

در کمیسیون ملل متحد راجع به حقوق تجارت بین الملل (آنسیترال) شرکت چند ملیتی چنین تعریف می‌شود: اصطلاح «شرکت چند ملیتی» در مفهومی گسترده استعمال می‌شود و مؤسساتی را در بر می‌گیرد که از طریق شعب، شرکت‌های تابعه، شرکت‌های وابسته، یا نهادهای دیگر، انجام فعالیت‌های تجاری مهم یا فعالیت‌های اقتصادی دیگر را در کشورهایی (کشور میزبان) غیر از کشور یا کشورهایی که قدرت تصمیم‌گیری یا کنترل در آنجا متمرکز شده است (کشور موطن) عهده دار هستند.^۲

ضابطه مشترک تمام این شرکت‌ها، فعالیت در کشورهای دیگر است. این شرکت‌ها از طریق شعبه^۳ (Branch) یا شرکت تابعه (Affiliate)^۴ عمل می‌کنند. شرکت تابعه یا حالت وابسته (Subsidiary)^۵ وارد و یا حالت پیوسته (Associate)^۶، اکثر قریب به اتفاق شرکت‌های مادر در کشورهای سرمایه دار غربی قرار دارند. از نظر نوع سرمایه گذاری این شرکت‌ها از طریق سرمایه گذاری مستقیم عمل می‌کنند (Direct investment). این شرکت‌ها شعب و شرکت‌های وابسته خود در کشورهای در حال توسعه را به طرق مختلف کنترل می‌کنند. این امر از طریق مالکیت کامل، مالکیت اکثریت سهام و یا از طریق سرمایه گذاری مشترک و مالکیت اقلیت سهام صورت می‌گیرد.

تأثیرات شرکت‌های چند ملیتی بر محیط اقتصادی و اجتماعی بین المللی

سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۷ مهم‌ترین چهره‌ی روابط اقتصادی بین کشورهای غربی و کشورهای جهان سوم بعد از سال‌های ۱۹۴۵ بوده است. کارگزار اصلی این سرمایه‌گذاری‌ها شرکت‌های چندملیتی بودند این بدان معناست که سهم بزرگی از معاملات و داد و ستدهای بین المللی توسط این شرکت‌ها صورت گرفته است نه دولت‌ها.^۸

^۱ - home state

^۲ - به عبارت دیگر شرکت چندملیتی شرکتی است که به منظور گسترش فعالیت خود در سراسر جهان و سرمایه گذاری در قطب‌های صنعتی کشورهای روبه رشد و استفاده از امکانات این قبیل کشورها، در کشورهای مختلف و متعدد اقدام به تأسیس یک شرکت فرعی (شرکتی که قسمت اعظم سهامش متعلق به شرکت اصلی است) می‌نماید؛ بنابراین در شرکت‌های چندملیتی با یک شرکت مادر (شرکت اصلی) که تابعیت کشور محل ثبت خود را داراست - و چندین شرکت فرعی که این شرکت‌های فرعی نیز هر کدام تابعیت کشور محل ثبت خود را خواهند داشت مواجه هستیم، مجموعه این شرکت‌های گوناگون، شرکت چندملیتی محسوب می‌شود. ر.ک: دکتر مرتضی نصیری، حقوق چند ملیتی، نشر دانش امروز، ۱۳۷۰، ص ۱۴۵.

^۳ - بخشی از شرکت که عملیات آن در خارج صورت می‌گیرد.

^۴ - شرکتی که تحت کنترل مؤثر شرکت مادر انجام وظیفه می‌کند.

^۵ - یعنی شرکت مادر اکثریت سهام با حق رأی را داراست.

^۶ - یعنی شرکت مادر اقلیت سهام با حق رأی را داراست.

^۷ - Foreign Direct investment (FDI)

^۸ - united nations conference on Trade and development, world investment report 1995, Transnational corporations and competitiveness, 1995, united nations, at 39.



Athens

اقتصاد بین المللی امروز هر چه بیشتر رو به سوی تبدیل شدن به اقتصادی آزاد و جهانی و بدون مرز دارد. سرمایه به صورت سیال و فرامرزی در جریان است و شرکت‌های چند ملیتی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عاملین جا به جایی سرمایه‌اند. این شرکت‌ها هم ابزار جهانی شدن هستند و هم بیشترین نفع را از آن می‌برند. آن‌ها کل بازارهای جهانی را بدون حد و مرز در اختیار دارند. این شرکت‌ها به دنبال مکانی مناسب جهت سرمایه‌گذاری و رای مرزهای کشور مادر، به بررسی تمامی عوامل مؤثر در سرمایه‌گذاری و سوددهی بیشتر می‌پردازند. مطلوب این شرکت‌ها کشورهایی امن با آرامش و ثبات سیاسی، نیروی کار ارزان قیمت و غیر متشکل، منابع طبیعی کافی، ایمنی سرمایه و وجود امتیازات حمایتی است.

در سال‌های اخیر بویژه در فرایند جهانی شدن، شرکت‌های چند ملیتی از لحاظ حجم و حوزه جغرافیایی فعالیت و توسعه غیرقابل تصویری یافته‌اند، به گونه‌ای که بسیاری از این شرکت‌ها از نظر حجم فعالیت اقتصادی و درآمد و ذخایر سرمایه‌ای از بسیاری از کشورها بزرگترند. برای مثال از ۱۰۰ قدرت اقتصادی برتر جهان ۵۱ قدرت برتر، شرکت‌های چند ملیتی و ۴۹ قدرت دیگر، کشورها هستند. شرکت جنرال موتورز در رده سیزدهم بین مکزیک و سوئد قرار دارد. این شرکت بیش از ۷۵۰ هزار کارمند دارد. میزان فروش شرکت فورد از بودجه دانمارک بیشتر است. درآمد شرکت آی بی ام از بودجه کره جنوبی بیشتر است. سرمایه شرکت استاندارد اوپل با ذخیره طلای ایالت متحده آمریکا برابری می‌کند. در حدود ۳۰۰ شرکت چند ملیتی بیش از ۷۰ درصد تولیدات صنعتی را در اختیار دارند.^۹ شرکتی نظیر اکسون آمریکایی امروزه داری ۳۰۰ شرکت وابسته در بیش از ۵۰ کشور مختلف جهان است.

قدرت این شرکت‌ها در سال ۱۹۹۸ میلادی چنان افزایش یافت که درآمد ۱۰ شرکت چند ملیتی در رأس، برابر درآمد ۵۰ کشور جهان بود.^{۱۰} در سال ۱۹۸۵ فروش ۲۰۰ شرکت بزرگ چند ملیتی به میزان ۳ تریلیون دلار رسید که معادل کل تولید ناخالص جهان بود.^{۱۱} شرکت‌های چند ملیتی با ابزار قدرتمند مالی بر سرنوشت اقتصاد جهان و در نتیجه سیاست بین المللی تأثیرات شگرفی بر جای می‌گذارد تا حدی که گاهی موجبات سقوط دولت‌ها، توسط این شرکت‌ها فراهم می‌آید. لومومبا، کندی، آنده فقط نمونه‌هایی بسیار مشهود از سری عملیات سراسر محرمانه شرکت‌های چند ملیتی در سطح جهان هستند.^{۱۲}

ترور یکی از حرب‌های شرکت‌های چند ملیتی

یکی از شیوه‌های غیرانسانی که شرکت‌های چند ملیتی برای ادامه‌ی برای ادامه‌ی تسلط خود بر بازارهای جهانی به کار می‌برند استفاده از حرب‌های ترور است. شرکت‌های چند ملیتی از روی کار آمدن رژیم پلیسی گرفته تا تشکیل گروه‌های تروریستی برای رسیدن به مقصود خود استفاده می‌کنند.

در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۱ مدیر عامل گروه فیلیپس (Philips) در مقابل اتحادیه‌ی مدیران صنایع آمریکا که دارای قدرت و نفوذ بسیار زیادی هستند، اظهار داشت که دولت آمریکا باید منافع اقتصادی خود را حتی اگر شرایط ایجاب کند با به روی کار آمدن یا حمایت از رژیم‌های پلیسی در سایر کشورها تضمین کند.^{۱۳} این توجیه به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا انقلابات مردمی در جهان سوم اکثراً با شکست مواجه می‌شود. عملیات شرکت‌های بزرگ، امروزه به‌این ترتیب است که اقدامات قتل و تهدید مستقیماً به‌وسیله خود شرکت‌ها و با دولت‌های امپریالیستی حامی شرکت‌ها انجام نمی‌گیرد بلکه این عملیات توسط دولت‌های دست‌نشانده از کشورهای جهان سوم با عوامل شرکت‌های چند ملیتی در این کشورها به‌طور غیرمستقیم و از طریق ایجاد گروه‌های تروریستی صورت می‌گیرد.

^۹ - Bedjaoui. M (Toward a new international economic order), 1979, P.38.

^{۱۰} - الهی، همایون، کارتل‌های چند ملیتی و توسعه نیافتگی، نشر قومس، چاپ اول ۱۳۸۲، تهران، ص ۲.

^{۱۱} - برکشلی، فریدون، نظم نوین اقتصادی جهان و کشورهای جنوب، نشر قومس، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۵۸.

^{۱۲} - همان، ص ۲۰.

^{۱۳} - کارتل‌های چند ملیتی و توسعه نیافتگی، ص ۹۰.



Athens

در آمریکای لاتین افراد وابسته به روابط عمومی شرکت مشهور میوه به نام یونایتد فروت (که امروزه به نام یونایتد براندس تغییر نام داده است) افراد گارد مرزی السالوادور را کشته و در دست آن‌ها اسلحه روسی قرار می‌دادند تا وانمود سازند که این اقدام به وسیله کمونیست‌ها انجام گرفته و بدین ترتیب با گسترش وحشت از کمونیست‌ها به موقعیت آمریکا و در نتیجه و موقعیت این شرکت عظیم در السالوادور استحکام بخشید.^{۱۴} این شرکت‌ها می‌توانند برای ایجاد نارضایتی و هرج و مرج دست به اقداماتی بزنند تا به اهداف اقتصادی و سیاسی خود نائل گردند که این اقدامات شامل: به تأخیر انداختن حمل و نقل مواد غذایی شهرهای بزرگ قطع کردن اعتبارات خارجی، ایجاد وقفه در تحویل قطعات مهم تولیدی، فراخواندن مشاوران و متخصصین صنعتی و سرپازردن از قراردادهای که جمیعاً منجر به بیکاری هزاران کارگر کارخانه و موجبات آشفستگی اقتصادی اجتماعی، سیاسی را فراهم آورد و سقوط دولت‌های ملی را منجر شود.

رشوه، حربه‌ای دیگر

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل ایجاد وابستگی سیاسی و اقتصادی کشورها به این شرکت‌ها رشوه است. شرکت‌های چندملیتی برای ادامه‌ی حیات خود با پرداخت رشوه به سردمداران و متصدیان این کشورها به اهداف خود دست می‌یابند. تحقیقات کمیته‌ی کنترل و بررسی مجلس سنای آمریکا درباره‌ی عملیات شرکت‌های چندملیتی در اواسط دهه ۱۹۷۰ واقعیات تکان‌دهنده‌ای را نشان داد. واقعیاتی که مربوط به روش‌های رشوه دادن شرکت‌ها در سراسر جهان بود از رهبران و مقامات کشورهای پیشرفته‌ای چون هلند، ایتالیا، ژاپن و آمریکا تا برنامه‌ریزان کشورهای در حال توسعه مانند اندونزی، هندوراس، همگی مورد لطف شرکت‌های چندملیتی واقع شده‌اند تا قرارداد خرید کالای به خصوص را امضاء نمایند یا اجازه‌ی تأسیس کارخانه مونتاژی را بدهند و یا اینکه واردات را به کشور خود از مالیات و عوارض گمرکی معاف دارد.^{۱۵}

یک اقتصاددان مشهور سوئدی اظهار داشت که کشورهای صنعتی می‌توانند کشورهای در حال توسعه را در رسیدن به پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی فقط از یک راه به بهترین وجهی یاری دهند و آن اینکه این کشورها، شرکت‌های عظیم خود را از پرداخت رشوه به سیاستمداران و مقامات کشورهای جهان سوم بازدارند.^{۱۶} در دستورالعمل (راهنما) سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^{۱۷} در مورد شرکت‌های چندملیتی^{۱۸} که یکی از مهم‌ترین و کامل‌ترین اسناد مدرن در مورد نحوه‌ی عملکرد شرکت‌های چندملیتی است نیز این موضوع تحت عنوان «مبارزه با رشوه»^{۱۹} مورد توجه قرار گرفته است.

نفوذ سیاسی و قضایی شرکت‌های چندملیتی در کشورهای میزبان

شرکت‌های چندملیتی در کشورهای مختلف به مرور یکی از عوامل مؤثر و تعیین‌کننده‌ی قدرت سیاسی شده‌اند. در نیمه دوم دهه‌ی ۱۹۷۰ روابط متعدد و اغلب سؤال‌برانگیزی بین شرکت‌های چندملیتی و رژیم‌های مختلف توسط یک گروه تحقیق سنای آمریکا کشف شد. برای مثال آکسون (Exxon) و احزاب ایتالیا کمک‌های مالی فراوانی کرد که درازای آن قوانین متعددی به نفع شرکت‌های چندملیتی می‌بایستی به وجود آیند^{۲۰} در رابطه با اعمال نفوذ شرکت‌ها در دستگاه حاکم کشورها باید مسئله نفوذ و تحت کنترل درآوردن دستگاه قضایی را نیز بیان داشت زیرا بدون آنکه دستگاه قضایی متأثر از قدرت شرکت‌ها باشد،

^{۱۴} - Mc Can, Thomas, An American Company The Tragedy of United Fruit, New York, 1944, S, 44 ff.

^{۱۵} - us senate, Multinational Corporations and United Foreign Policy, Washington 1976.

^{۱۶} - Der Spiegel NV, 19v.3. 3 Mai. 1976.

^{۱۷} - Organization for economic co-Operation and development.

^{۱۸} - The OECD guideline for Multinational enterprises.

^{۱۹} - Combating bribery

^{۲۰} - کارتل‌های چندملیتی و توسعه نیافتگی، ص ۱۱۲.



Athens

کج رویی ها و تخلفات این شرکت نمی تواند مدت زیادی دوام یابد. به عنوان مثال یک کمیته دائمی مربوط به شرکت های بین المللی (I.C.P.C) به طور مدام تغییرات و تبدیلات تهیه و تصویب قانون را در سطح کشورها و در سطح بین المللی مورد بررسی و توجه قرار می دهد. معمولاً در زمان بسیار کوتاهی مشاورین قضایی مجرب شرکت های چندملیتی بعد از تغییر و تصویب یک قانون در هر کجای دنیا حتی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی راه و امکان فرار از اجرای آن قانون را به دست می آورند. با وجود همه خطاها و جرم های متعددی که کارتل های چندملیتی در سراسر جهان مرتکب شده اند تاکنون احکام محکومیت سنگین صادره از طرف دادگاه ها برای آن ها انگشت شمار بوده است.

طبعاً این شرکت ها به واکنش افکار عمومی نسبت به نقض های شدید و فاحش حقوق بشری اشراف دارند به همین دلیل با اقداماتی سعی در کنترل افکار عمومی دارند. آن ها سعی دارند تا جائیکه امکان دارد اسرار رسوا کننده ی تجارت و معاملاتشان را از افکار عمومی جهان پنهان نگاه دارند تا جائیکه تلاش می کنند مانع انتشار اخبار انتقاد آمیز یا گزارش ها مربوط به عملکردشان شوند.

در سال ۱۹۷۴ در آرژانتین گزارش های کنگره که شرکت تلفن محلی متعلق به زیمنس و آی.تی.تی را مورد انتقاد قرار داده بود مفقود شدند. وقتی در سال ۱۹۷۵ مونیس باندایرا،^{۲۱} کتاب مشهور خود با نام «کارتل ها و نفوذ بیگانگان»^{۲۲} را منتشر کرد؛ اتحادیه ی صاحبان صنایع الکترونیکی بلافاصله یک نشست فوق العاده تشکیل داد تا به طور جدی اقدامات مقتضی علیه این کتاب به عمل آید. در پی این اجلاس تصمیم گرفته شد که کلیه روزنامه ها و بنگاه های سخن پراکنی را مجبور به اعمال سانسور در این مورد نمایند به این منظور بود که این رسانه های گروهی تهدید شدند در صورتی که فرمان شرکت ها را اجرا نمایند، آگهی های تجارتی آن ها که در حقیقت ممر اصلی درآمد و اساس ادامه زندگی و مسائل ارتباط جمعی هستند قطع خواهد شد. البته نمی توان انکار کرد که در محیط اقتصادی بین المللی امروز، شرکت های چندملیتی بانی رونق اقتصادی و شکوفایی قابلیت های اقتصادی کشور های توسعه نیافته و یا در حال توسعه شده اند. این شرکت ها با ورود سرمایه هنگفت و فناوری مدرن و پیشرفته و مدیریت درخور آن، به کشورهای دیگر به ویژه کشورهای در حال توسعه، تحولی در این کشورها ایجاد کرده اند. با برپایی شعبات این شرکت ها در این کشورها سطح اشتغال بالا رفته و نیروی کار محلی در سطح وسیعی به خدمت گرفته می شوند که این یکی از مهم ترین محاسن این شرکت ها است. بالا رفتن سطح تولید در کشور میزبان توان اقتصادی آن را بالا برده و بازار اقتصاد را رونق می بخشد.

نهاد حقوق بشر

در تحلیل های پیرامون نحوه ی عملکرد شرکت های چندملیتی و تأثیرات آن ها بیشتر توجه و تمرکز بر نقش این شرکت ها در توسعه جهان سوم معطوف گشته است و بعد اقتصادی آن ها مدنظر منتقدین و صاحب نظران بوده است. در صورتی که ماهیت عملکرد آن ها در نقض مستقیم یا غیرمستقیم حقوق مدنی و سیاسی و همچنین حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی توجه بیشتری می طلبد.

مبنا و اساس حقوق بشر، کرامت انسانی است که در همه جا یکسان است. احترام به کرامت انسانی به معنای احترام به شخصیت انسانی و خواسته های وی در تمامی حوزه های زندگی بشری است. بر این اساس فرض بر این است که حقوق بشر اصولاً باید به طور یکسان و بدون هیچ گونه تمایزی از نظر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشورها شناخته شود و مورد حمایت قرار گیرد. حقوق بشر به این علت که افراد بشر موجودات مشابه یکدیگر بوده و در حقیقت مقام و منزلت مساوی دارند، از نظر تئوری

^{۲۱} - Moniz Banderia

^{۲۲} - Karttelle and uberefremdung



Athens

متعلق به کلیه انسان‌ها، صرف‌نظر از زمان و مکان زندگی آن‌هاست. امضاکنندگان منشور ملل متحد بر خود واجب دیدند که به کرامت و ارزش انسانی و حقوق مساوی زنان و مردان از ملت‌های کوچک و بزرگ در مقدمه اشاره کنند. در مقدمه منشور ملل متحد آمده است: «ما مردم ملل متحد با تصمیم ... به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین مرد و زن و هم‌چنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ می‌پردازیم.»

در روابط بین‌المللی همانند روابط اجتماعی، تعدی هر شخص به منافع حقوقی شخص دیگر جامعه بین‌المللی، موجب مسئولیت می‌گردد. مسئولیت بین‌المللی معمولاً به دولت به‌عنوان مهم‌ترین شخص حقوق بین‌الملل مربوط می‌شود هرچند معمولاً نمی‌توان آن را از اشخاص حقوق بین‌الملل یعنی سازمان‌های بین‌المللی و در برخی موارد افراد، به‌طور کامل جدا کرد. تعاریف مختلفی از مسئولیت بین‌المللی شده است که بعضاً مکمل یکدیگرند. برای مثال برخی از نویسندگان، مسئولیت بین‌المللی را نتیجه نقض یک تعهد و الزام بین‌المللی می‌دانند.^{۲۳}

برخی دیگر نیز با توجه به اینکه اثر و هدف مسئولیت، جبران خسارت وارده به زبان دیده است، هر جا سخن از مسئولیت بین‌المللی به میان می‌آید موضوع «جبران خسارت» را نیز مطرح می‌نمایند. از جمله این نویسندگان پروفیسور «بدووان»^{۲۴} است که مسئولیت بین‌المللی را چنین تعریف می‌کند مسئولیت بین‌المللی یک‌نهاد حقوقی است که به‌موجب آن دولتی که عمل خلاف بین‌المللی به او منتسب است باید خسارت وارده شده به دولت متضرر را طبق حقوق بین‌المللی جبران کند.^{۲۵}

نظیر تعاریف بالا با تغییرات عبارتی به‌وسیله بیشتر حقوقدانان و مؤلفان ارائه کرده‌اند که مسئولیت بین‌المللی بیشتر یک رابطه دولت با دولت است. اگرچه در درستی این تعاریف تردیدی نیست ولی به نظر این تعاریف دارای اشکال بزرگی هستند. به این معنا که ممکن است برای خواننده این فکر ایجاد گردد که مسئولیت بین‌المللی و آثار حقوقی ناشی از آن تنها در رابطه بین دو دولت امکان‌پذیر است درحالی‌که حقیقت غیرازاین است زیرا در حقوق بین‌الملل جدید، تابعان دیگر حقوق بین‌الملل مانند افراد یا سازمان‌های بین‌المللی نیز می‌توانند مستقیماً در زمینه بین‌المللی مسئولیت پیدا کنند.

همان‌طور که از عنوان این طرح برمی‌آید، تأکید و تمرکز آن بر مسئولیت بین‌المللی دولت است و با تأملی بر مواد این طرح، به عدم وجود ماده و مقررهای در مورد مسئولیت بین‌المللی شرکت‌های چندملیتی پی می‌بریم. که البته این به دلیل ماهیت خصوصی این شرکت‌هاست. در این طرح، پس از تشریح تفصیلی شرایط و آثار مسئولیت بین‌المللی دولت، در ماده ۵۷ به مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی پرداخته است و در پی آن، در آخرین ماده یعنی ماده ۵۸ به مسئولیت اشخاص اشاره نموده است. حال این پرسش ایجاد می‌شود که «اشخاص» شامل شرکت‌های چندملیتی نیز می‌گردد و یا خیر؟

با بررسی ماده و توضیحات آن، درمی‌یابیم که غرض از تدوین این ماده پرداختن به مسئولیت مأموران دولت که از طرف دولت اقدام می‌کنند، می‌گردد و اینکه این اشخاص فاقد مسئولیت بین‌المللی هستند. در نتیجه این ماده، دربرگیرنده‌ی شرکت‌ها که اشخاص حقوقی خصوصی بین‌المللی هستند نمی‌گردد.

از منظری دیگر باید به این سؤال پاسخ داد که اگر این شرکت‌ها، تعهدات بین‌المللی را نقض کنند آیا اعمال آنان قابل انتساب به دولت است یا خیر؟ ابتدا باید یادآور شویم که حقوق بین‌المللی نیز مانند حقوق داخلی، جدایی کلی شخصیت حقوقی شرکت را از دولت به رسمیت شناخته و بر این اساس اعمال شرکت را فقط به این دلیل که دولت آن‌ها را تأسیس کرده، نمی‌توان به دولت منتسب نمود هرچند شرکت‌های چندملیتی توسط دولت‌ها تأسیس نگردیده‌اند پس به‌طریق اولی اعمالشان منتسب به دولت‌ها نمی‌شود. مگر اینکه

^{۲۳} - Harris, D. J. Cases and materials on international law, 1983. p.375.

^{۲۴} - Badevant

^{۲۵} - ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌المللی عمومی، ویرایش نهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۹، ص ۴۰۸



Athens

به‌عنوان یکی از اجزای دولت و در قالب ماده ۵ طرح نهایی مربوط به مسئولیت دولت‌ها عمل کنند.^{۲۶} برای مثال اگر یک شرکت نفتی اقدام به تصرف و غصب اموال بیگانگان در کشور نماید و هیچ دلیلی مبنی بر وجود منافع دولتی و یا نظارت و کنترل دولت بر این اقدام وجود نداشته باشد نمی‌توان آن را به دولت منتسب کرد ولی چنانچه مدارکی دال بر اقدام شرکت به دستور آن عمل موجود باشد و یا دولت به‌وضوح در چنین اقداماتی منفعی داشته باشد و یا مدرکی مبنی بر نظارت و کنترل دولت بر اعمال شرکت موجود باشد، عمل مذکور قابل به انتساب به دولت خواهد بود.^{۲۷}

تعهد به حمایت از افراد در برابر دخالت در حقوق مدنی و سیاسی‌شان توسط اشخاص خصوصی دیگر گروه‌ها و نهادهاست. شرکت‌ها نیز متعهد به این تعهد می‌باشند. کمیته حقوق بشر، حتی داشتن حریم شخصی وزندگی فردی را به رسمیت شناخته و حمایت از افراد در برابر دخالت‌ها و مزاحمت‌ها و تجاوزت، خواه ناشی از قدرت دولت، خواه افراد حقیقی و حقوقی را حق آن‌ها می‌داند.^{۲۸}

هم‌چنین طبق نظر کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل دولت‌ها باید جهت تضمین اینکه فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی و جامعه‌ی مدنی آن‌ها منطبق با حق بهره بردن از غذای کافی است قدم‌های مثبتی بردارند.^{۲۹} روابط بین شرکت‌های چندملیتی و دولت‌های ملی کشور مادر و میزبان، بسیار پیچیده است. این مناسبات در واقع مقابله‌ی قدرت سیاسی با قدرت اقتصادی است. در این خصوص دو فرضیه وجود دارد. برای عده‌ای توافق کامل و مطلق بین این شرکت‌ها و حکومت کشور اصلی‌شان وجود دارد. به همین جهت فرانسوا پرو در استقلال ملت بیان می‌کند که شرکت‌های چندملیتی متفق بدیهی و حتمی کشور خود می‌باشند.^{۳۰} گرایش دیگر و به‌سوی نزاع و اختلاف است تا به‌طرف توافق. روابط شرکت‌ها با کشور مادر با مبدأ از تیرگی و ابهام و حتی تناقض مبری نیست. برخی از کشورها خواهان تشویق و رشد چنین شرکت‌هایی هستند. بخصوص در سال‌های اخیر که سیاست کشورهای اروپایی متمایل به تسهیل ادغام جهت تشکیل گروه‌های نیرومند بین‌المللی که نقش جبرانی در مقابل شرکت‌های عظیم‌الجثه آمریکایی و ژاپنی ایفا کنند، چنین بوده است. به‌طور کلی کشورها می‌توانند به توسعه فعالیت‌های شرکت‌های خود در خارج مبادرت ورزیده یا جریان‌های مبادلاتی ایجاد نموده و بازار جدید برای خود ایجاد کنند.

اما در خصوص کیفیت روابط این شرکت‌ها با کشورهای میزبان باید اذعان داشت که این مناسبات بسیار پیچیده‌تر و ظریف‌ترند. کشور میزبان در مقابل یک ابهام و دوراهی قرار دارد که باید به قسمی متوازن و سنجیده آن را حل نماید، از طرفی حضور این شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری کلان آن‌ها حداقل در کوتاه‌مدت اثر مثبتی بر اقتصاد این کشورها می‌گذارد. از سویی دیگر، تأثیرات منفی این شرکت‌ها در درازمدت اعم از تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و حقوق بشری این دولت‌ها را در موقیعت ویژه‌ای قرار می‌دهد. در مواردی که دولت‌های میزبان قدرت چانه‌زنی ندارد مبدل به برده و تابع شرکت چندملیتی خواهند شد. مثلاً در آفریقای جنوبی، کارگران قانوناً از تعقیب و اقامه‌ی دعوی علیه کارفرمایان این شرکت‌های چندملیتی منع شده‌اند.^{۳۱}

^{۲۶} - ماده ۵ طرح: عمل شخص یا نهادی که طبق ماده ۴، ارگان دولتی محسوب نمی‌گردد اما طبق قانون، عناصر حاکمیت آن دولت را اعمال می‌کند، طبق حقوق بین الملل باید آن دولت محسوب شود.

^{۲۷} - Crawford, J. ibid. D. 112-113- para 6

^{۲۸} - Human right Committee, General Comment 16, article 17.

^{۲۹} - Committee on economic, Social and Cultural rights, General Comment 12. article 11, rights to adequate food un Doc/E/C. 12/ 1999/ Para, 27.

^{۳۰} - دومینک گارو، مباحثی از حقوق بین الملل اقتصادی، ص ۷۴

^{۳۱} - Controlling Corporate wrongs: The liability of Multinational Corporations, legal Possibilities, initiatives and Strategies for Civil Society report of The international IRENE Seminar on Corporate liabilities and workers rights held at the University of warwick, Coventry, United Kingdom, 20 and 21 March 2000/www.irene-network.NL



Athens

یافته‌ها

شرکت‌های چندملیتی در کنار مزایای فراوانی که برای اقتصاد کشورهای توسعه‌نیافته دارند، عملکردشان پیامدهای منفی نیز به بار می‌آورد. اینجاست که بحث تخلف و نقض حقوق و متعاقب آن، مسئولیت و جبران خسارت مطرح می‌گردد. دولت‌ها متعهد به احترام و تضمین حقوق بشر هستند و این تعهد به وسیله‌ی حقوق بشر بین‌المللی ایجاد نهادینه گردیده است. این تعهد در قوانین مسئولیت بین‌الملل تدوین‌شده‌ی گروه حقوق بین‌الملل نیز به رسمیت شناخته شده است. در مجموع باید دو نوع مسئولیت برای شرکت‌ها قائل شد. مسئولیت مستقیم و مسئولیت غیرمستقیم چنانچه شرکت‌ها مستقیماً و بدون دخالت دولت مادر و میزبان دست به تخلف و نقض حقوق بشر در کشورهای میزبان بزنند بحث مسئولیت مستقیم مطرح می‌گردد که به دلیل عدم پوشش اسناد و معاهدات مربوط به مسئولیت، علی‌رغم دخالت مستقیم خود شرکت در نقض حقوق، پاسخگویی و جبران خسارت ناشی از نقض در حاله‌ی ابهام باقی می‌ماند. از طرفی در صورت قائل شدن مسئولیت برای شرکت‌ها بحث چگونگی جبران خسارت و مجازات مطرح می‌گردد اینکه چه مجازاتی برای شرکت به‌عنوان شخصیت حقوقی می‌توان در نظر گرفت؛ که البته پرداخت غرامت از سایر طرق قابل‌دسترس‌تر به نظر می‌آید. در آخر جهت پاسخ به سؤال تحقیق باید بیان داشت که شرکت‌ها را در حال حاضر و با این سیستم حقوقی بین‌المللی موجود نمی‌توان مستقیماً مسئول دانست؛ و دولت‌های مادر این شرکت‌ها را نیز در صورت اثبات همکاری و دخالت مستقیم، می‌توان مسئول انگاشت و علیه او طرح دعوی کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

ترتیبات حقوق بشری بین‌المللی برای مسئول قلمداد کردن شرکت‌ها پیش‌بینی و طراحی نگشته‌اند. مسلماً این بدان معنا نیست که شرکت‌ها از تعهد به احترام به استانداردهای حقوق بشری معاف‌اند. بلکه رویکردهای ملی و داخلی می‌تواند شرکت‌ها را برای چنین نقض‌های مسئول بدانند و خلاً بین‌المللی در این خصوص را پر کند. به‌عنوان مثال در قانون داخلی آمریکا ابتکار عملی در این خصوص صورت گرفته است و آن «قانون مسئولیت مدنی شرکت‌های چندملیتی برای نقض حقوق بشر طبق قانون دعوی مسئولیت مدنی بیگانه»^{۳۲} است؛ که به‌جرت می‌توان آن را تنها روش مؤثر داخلی برای جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر این شرکت‌های دانست. گرچه استفاده از این قبیل ترتیبات ملی مبتنی بر نوعی صلاحیت جهانی هستند اما تا حدودی متأثر از اقتضائات سیاسی و فرهنگی و قضایی هستند.

حقوق بین‌الملل دارای منابع سنتی است که در خلال زمان از اهمیت آن‌ها کاسته نشده و کماکان به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع حقوق بین‌الملل، شناخته می‌شوند. مهم‌ترین منبع، معاهدات بین‌المللی است که از جایگاه رفیعی در حقوق نوپای بین‌المللی برخوردار است که در ماده‌ی ۳۸ اساسنامه‌ی بین‌المللی دادگستری از آن یاد شده است. این منبع به‌عنوان منبعی الزام‌آور در حقوق بین‌الملل اهمیت ویژه‌ای دارد. عرف و اصول کلی حقوقی و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل از سایر منابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. تمرکز ما در این مبحث بر منبع جدید و متفاوتی است که حتی هنوز در باب اینکه آیا خصوصیت منبع بودن در حقوق بین‌الملل را دارد یا خیر، اختلاف‌نظر وجود دارد؛ و آن حقوق نرم و قوام نیافته است،^{۳۳} که در برابر حقوق لازم‌الاجرا مطرح می‌گردد.

برخی نویسندگان، اصولاً منکر حقوق نرم و قوام نیافته هستند. به‌زعم آن‌ها، حقوق یا الزام‌آور است یا اصولاً حقوق نیست. باوجوداین، قواعد قابل‌اجرا در روابط اقتصادی بین‌المللی در بسیاری موارد در قالب عباراتی ملایم و غیراجباری تنظیم می‌شوند و اکثراً به‌صورت «اعلامیه»، «اعلامیه‌ی اصولی»، «طرح ساختاری» و حتی «منشور» نامیده می‌شوند. به‌عنوان مثال سازمان

^{۳۲} - MNC Liability for international human rights violations under The Alien Tort Claims ACT (ATCA)

^{۳۳} - Soft Law



Athens

همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) آنگاه که «رهنمودهایی» را برای شرکت‌های چندملیتی تنظیم می‌کند و یا رهنمودهای بانک جهانی راجع به رفتار قانونی با سرمایه‌گذار خارجی^{۳۴} عناوینی را برمی‌گزینند تا نشان دهند این رهنمودها فقط حقوق «ملازم و قوام نیافته» را در برمی‌گیرند. هر جا که قواعد غیر الزامی به‌عنوان معیاری برای تشخیص رفتار پسندیده، به‌صورت داوطلبانه پذیرفته شود، لزوم کنترل در خصوص رعایت چنین تعهداتی، تقریباً اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در غیر این صورت، شرکتی که صادقانه به تعهدات خود پایبند بوده، در مقابل شرکتی دیگر که به‌راحتی این تعهدات را نادیده گرفته است، متضرر می‌شود.

همان‌طور که بیان شد، یکی از مهم‌ترین منابع قوام نیافته پیرامون عملکرد شرکت‌های چندملیتی رهنمود OECD است. که کنترل رعایت رهنمودهای آن به کمیته‌ی ویژه‌ی مؤسسات سرمایه‌گذاری و شرکت‌های چندملیتی این سازمان، متشکل از نمایندگان دولت‌های عضو آن واگذار شده است؛ و در آن، نمایندگان کمیته‌ی مشورتی اتحادیه‌ی تجاری و کمیته‌ی مشورتی تجارت و صنعت و نیز نمایندگان شرکت‌های ذی‌ربط حضور دارند. برخلاف نظری که طبق آن ادعا می‌شود این کمیته در خصوص رفتار شرکت‌ها به نتیجه‌ای نخواهد رسید، کمیته در این مورد موفقیت‌هایی داشته است. هرچند پذیرش داوطلبانه‌ی این رهنمودها از سوی شرکت‌های چندملیتی به‌تنهایی نمی‌تواند به ایجاد حقوق بین‌المللی عرفی منجر شود. این رهنمودها برای اینکه الزام‌آور گردند نیازمند قانون‌گذاری داخلی دولت‌ها هستند.^{۳۵}

دولت‌ها کم‌کم به جنبش تدوین کد رفتاری بین‌المللی پیوستند. در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰، دولت‌های صنعتی از طریق OECD و کشورهای درحال توسعه از طریق کمیسیون سازمان ملل در مورد شرکت‌های چندملیتی شروع به توجه نشان دادن به این کدهای بین‌المللی کردند، اما تعارضات به‌مرور آشکار گردید؛ و آن اجماع بین‌المللی موردنیاز برای تدوین کدی متحدالشکل و بین‌المللی و عام حاصل نگردید. چراکه رهنمود OECD منطقه‌ای است و شامل اعضای سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی می‌شود و جنبه‌ی عام الشمول و بین‌المللی ندارد.

برخی از حقوق بنیادین اصلی بشری، مستقیماً شرکت‌ها را نیز خطاب قرار می‌دهد. از مهم‌ترین حقوق بشری در محیط کار این شرکت‌ها اصول بنیادین حقوق کار شامل مساعد و بهداشتی کار، آزادی اجتماعات، عدم تبعیض، ممنوعیت کار اجباری و کار کودکان و حق داشتن مسکن و تحصیل کردن^{۳۶} است.

یکی استاندارد عمومی و مشترک برای دسترسی همه‌ی افراد و همه‌ی ملیت‌ها وجود دارد و هر شخصی و هر ارگان جامعه‌ای باید برای آموزش و ارتقاء تحصیلات به‌منظور احترام به حقوق و آزادی‌های بشری با اتخاذ ترتیبات مترقی ملی و بین‌المللی کوشش کند تا حقوق بشر به رسمیت شناخته‌شده و رعایت گردد.^{۳۷}

ماده‌ی ۲ کنوانسیون OECD در مورد مبارزه با رشوه بیان می‌دارد که ... هر طرف باید چنین ترتیباتی را مطابق با اصول قانونی خویش، به‌منظور تحمیل مسئولیت به اشخاص حقوقی به خاطر پرداخت رشوه، در نظر بگیرند. هم‌چنین کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی ناشی از ایجاد آلودگی نفتی^{۳۸} و کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از ضرر و زیان فعالیت‌های خطرناک برای محیط‌زیست،^{۳۹} اشخاص حقوقی را مسئول شناخته است.

^{۳۴} - Legal Treatment of foreign investment, The world bank Guidelines, Dordrecht, Nijhoff 1993, pp.155.

^{۳۵} - Robock & Simmonds, international Business & Multinational enterprises, Fourth edition, 1989. Irwin/Toppa Publications, Printed in Singapore, p.501.

^{۳۶} - ILO declaration on Fundamental Principles and rights at work, 37 ICM (1998), at 1223.

^{۳۷} - preamble, UDHR, Supra note 19.

^{۳۸} - international Convention on Civil liability for oil Pollution damage.

^{۳۹} - Convention on Civil liability for damage resulting from activities dangerous To the environment.



شاید در نگاه اول جرم رشوه به عنوان نقض حقوق بشر تلقی نگردیده، بررسی این کنوانسیون بدین سبب بی فایده به نظر آید، ولی همان طور که در قبلاً اشاره گردید یکی از راهکارهای تبانی شرکت های چندملیتی با دولت میزبان جهت اغماض تخلفات فاحش حقوق بشری آنان. پرداخت رشوه به مأمورین رسمی و حتی سران آن کشور است. از این رو با تصویب این کنوانسیون و جرم انگاری بین المللی رشوه، حداقل تا حدودی می توان امیدوار بود که تخلفات حقوق بشری با پرداخت رشوه به فراموشی سپرده نمی شود.

شرکت های چندملیتی به خصوص وقتی در کشورهای در حال توسعه فعالیت می کنند، باید تمام تلاش خود را برای ارتقای فرصت های شغلی و استخدامی و استانداردها به کار گیرند. آن ها باید سیاست های استخدامی و اهداف دولتی هایی که در آن ها به فعالیت مشغول اند را در نظر بگیرند. به عنوان مثال، امنیت شغلی و استخدام طولانی مدت، این شرکت ها پیش از شروع فعالیت باید تا حد امکان با مقامات و کارفرمایان داخلی و سازمان های بازرگاری به منظور آگاهی از طرح های آن ها مشورت کرده تا عملکردشان در هماهنگی با سیاست های اجتماعی آن ها باشد.

هنگامی که شرکت های چندملیتی اقدام به سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه می کنند باید به اهمیت استفاده از فناوری توجه کنند و تکنولوژی را با توجه به نیازها و ویژگی های دولت های میزبان به کار گیرند.

منابع

- برکشلی، فریدون، (۱۳۷۹)، نظم نوین اقتصادی جهان و کشورهای جنوب، نشر قومس، چاپ اول.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۷۹)، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ویرایش نهم.
- کارو، دومینیک، (۱۳۶۷)، مباحثی از حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه دکتر محمد امامی ملارقی، نشر واحد امور اقتصادی و بین المللی، چاپ اول، خرداد.
- نصیری، مرتضی، (۱۳۷۰)، حقوق چندملیتی، نشر دانش امروز.
- الهی، همایون، (۱۳۸۲)، کارتل های چندملیتی و توسعه نیافتگی، نشر قومس، چاپ اول.

Bedjaoui, M, (1979), Toward a new international economic order.

Controlling Corporate wrongs; (2000), the liability of multinational Corporations, legal Possibilities, initiatives and Strategies. For Civil Society Report of international: IRENE Seminar on Corporate liabilities and workers rights held at the University of warwich, uk.

Convention on Civil liability for damage resulting from activities dangerous to the environment.

Convention on Civil liability for oil Pollution damage.

Human rights watch report, (1999), Special programs and Campaigns and humn rights.

ILO, (1998), declaration on Fundemental Principles and rights at work.



Athens

Mc Can, (1944), Thomas, An American Company, The Tragedy of United Fruit, new york.

Multinational Corporations liability for international human rights Violations under The alien Tort Claims act (ATCA).

OECD, (1976), declaration on international investment and Multinational enterprises.

Robock & Simmonds, (1989), international Business & Multinational enterprises, Fourth edition, Irwin/Tippa Publication.

The international Law Commission`s State responsibility, (2001).

United nations Conference on Trade and development, world investment report, 1995, Transnational Corporations and Competitiveness.

United nations declaration of the elimination of violence against women, (1993).

Us Senate, (1976), Multinational Corporations and United foreign Policy, Washington.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران